

[امر به شیئ و اقتضای نهی از ضد 1](#_Toc38239057)

[ثمره مساله 1](#_Toc38239058)

[مرحله اول: بررسی ادعای مرحوم نائینی 1](#_Toc38239059)

[تنافی داشتن نهی غیری با قصد قربت 2](#_Toc38239060)

[مرحله دوم: انکار ثمره از منظر شیخ بهائی 3](#_Toc38239061)

[عدم تلازم بین امر نداشتن و بطلان 3](#_Toc38239062)

[بررسی موید مرحوم شیخ بهائی از منظر استاد 4](#_Toc38239063)

[راههای کشف ملاک 4](#_Toc38239064)

[شبهه عدم کشف ملاک 4](#_Toc38239065)

[راه اول کشف ملاک: وجود مقتضی برای عبادت 5](#_Toc38239066)

[امور خفیه بودن ملاکات 5](#_Toc38239067)

[مختار استاد: ملاک داشتن ضد عبادی در حالت تزاحم 5](#_Toc38239068)

**موضوع**: بررسی اقوال /ثمره مساله /امر به شیئ و اقتضای نهی از ضد

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد اصل مساله امر به شیئ و اقتضای نهی از ضد تمام شد. در جلسه قبل بحث از ثمره مساله مطرح شد. استاد فرمود: نسبت به ثمره باید در چهار مرحله بحث مطرح شود. در این جلسه به بررسی مراحل چهار گانه بحث ثمره پرداخته می­شود.

# امر به شیئ و اقتضای نهی از ضد

## ثمره مساله

### مرحله اول: بررسی ادعای مرحوم نائینی

بحث در مورد ثمره مساله امر به شیئ و اقتضای نهی از ضد بود. بحث ثمره در چند مرحله قابل بررسی است. مرحله اول در مورد این مطلب است: بنا بر اقتضاء، ضد عبادی در وقت ترک واجب اهم، محکوم به بطلان است. مثلا امر به ازاله در سعه وقت، مقتضی نهی از نماز است. وقتی که نماز منهی شد، نهی در عبادت مقتضی فساد است. در نتیجه حکم به فساد عبادت می­شود.

در این مرحله مرحوم نائینی مخالف نظر مشهور و ادعا کرده است[[1]](#footnote-1): مطلقِ نهی، مقتضی فساد نیست. نهیی مقتضی فساد است که نفسی باشد و بر خواسته از مفسده در فعل و کاشف از مبغوضیت عمل باشد. چنین نهیی با حصول قربت منافات دارد؛ اما نهیی که در محل کلام مورد بحث است، نهی غیری و به خاطر مزاحمت با واجب اهم حاصل شده است. لا تصل فی هذه الحالة، به خاطر این است که نماز مزاحم ازاله است و ناشی از مفسده در نماز نیست. نهی غیری منافات با قربت ندارد. می­توان نماز را به قصد محبوبیت ذاتی امتثال کرد؛ لذا مرحوم نائینی با این که قائل به اقتضا شد، حکم به فساد نماز عند ترک الازاله نمی­کند.

#### تنافی داشتن نهی غیری با قصد قربت

به نظر ما ادعای ایشان جای مناقشه دارد. اینکه فرموده است: نهی غیری با قصد قربت سازگاری دارد، صحیح نیست. صلاحیت تقرب یک امر عرفی است و به ذهن عرفی ما این مطلب خطور می­کند که وقتی شارع نهی را صادر می­کند، هر چند که نهی غیری باشد، با تقرب سازگاری ندارد.

بله؛ اگر شارع چنین دستوری می­داد که اگر ازاله انجام نشد، نماز اقامه بشود و یک امر ترتبی داشتیم، بحثی ندارد؛ اما اگر امری از شارع صادر نشده است و فقط نسبت به نماز نهی غیری آمده و فرموده است: نماز نخوان، اگر مکلف بگوید: نماز می­خوانم قربة الی الله، روشن نیست که چنین نمازی صلاحیت تقرب را داشته باشد.

بر فرض که نهی غیری ناشی از مفسده نباشد؛ ولی برای حکم به صحت عبادت باید یا احراز ملاک شود و یا حراز امر شود. امری در عرض امر به ازاله برای نماز که وجود ندارد. باقی می­ماند امر طولی که از ملاک ناشی شده باشد که احراز چنین امری با وجود نهی غیری ثابت نیست. حتی ما اگر بپذیریم که کشف ملاک در جایی که امری وجود ندارد، امکان دارد؛ اما در جایی که نهی وجود دارد، احراز ملاک مشکل است.

کما این که امر ترتبی را نمی­توان با وجود نهی تصدیق کرد. اگر ما امر ترتبی را عرفی بدانیم در جایی است که نهیی از مولا صادر نشده باشد؛ اما اگر از مولا نهی صادر شده باشد، حکم به صدور امر ترتبی مشکل است؛ لذا بنا بر اقتضاء که مقبول مرحوم نائینی قرار گرفته است، حکم به صحت ضد عبادی عند ترک واجب اهم، مشکل است.

بله؛ بنا بر مبنای مبادی حکم که ما گفتیم بعید نیست عرفا امر به شیئ ابراز حب آن چیز است و ابراز حب شیئ ملازمه با ابراز بغض نسبت به ضد آن شیئ دارد، بنا بر این که این بغض، بغض غیری باشد؛ چون که به زبان نیاورده و نهی را ابراز نکرده و اعمال مولویت نکرده است، ادعای مرحوم نائینی جا دارد و می­توان ضد عبادی را به قصد قربت اتیان کرد.

پس در جایی که اعمال مولویت کرده است، قصد تقرب عقلائیت ندارد؛ اما در جایی که اعمال مولویت نکرده است، بعید نیست که ادعای مرحوم نائینی صحیح باشد.

به عبارت دیگر، ما که سراغ حب و بغض می­رویم در جایی است که خطابی در کار نباشد؛ ولی اگر حب و بغضی در کار باشد و خطابی هم صادر شده باشد، اساس همان خطاب است؛ پس ادعای مرحوم نائینی قابل تصدیق نیست؛ اما بغض غیری خصوصا که لفظ ندارد و طبعی و وجدانی است، بعید نیست که گفته شود منافاتی با صحت عمل ندارد.

خلاصه کلام: اولا در جایی که امر به شیئ اقتضای نهی از ضد را داشته باشد، نفس نهی مولا مانع از تقرب است و ثانیا اگر مانع هم نباشد لا اقل با وجود نهی مصحح عبادت نداریم

### مرحله دوم: انکار ثمره از منظر شیخ بهائی

شیخ بهائی فرموده است: امر به شیئ اقتضای نهی از ضد را داشته باشد یا نداشته باشد، ضد عبادی عند ترک الاهم محکوم به بطلان است؛ زیرا بنا بر اقتضا، نهی از عبادت موجب فساد است و بنا بر عدم اقتضا، ضد عبادی امر ندارد تا عبادت صحیح باشد. عملی که امر ندارد، مصداق ماموربه واقع نمی­شود. در باب نوافل نیز مویدی برای کلام ایشان وجود دارد. در روایت آمده است: «لا قربة للنوافل اذا اضرت بالفرائض»[[2]](#footnote-2) اگر بنا باشد نافله اتیان شود و فریضه ترک شود، نافله صلاحیت قصد قربت ندارد.عرف هم چنین کاری را تخطئه می­کنند.

### عدم تلازم بین امر نداشتن و بطلان

مرحوم آخوند و دیگران جواب داده­اند[[3]](#footnote-3): بر فرض که ضد عبادی امر ندارد؛ ولی ملازمه با بطلان ندارد صحت عبادت موقوف بر امر نیست. می­توان عبادت را به قصد ملاک اتیان کنیم. بنا بر این که امر به شیئ اقتضای نهی از ضد داشته باشد، ضد ملاک دارد؛ ولی به خاطر نهی قربی، واقع نمی­شود؛ اما ضد بنا بر عدم اقتضاء امر ندارد؛ ولی ملاک دارد و نماز به قصد محبوبیت اتیان می­شود و حکم به صحت می­شود.

#### بررسی موید مرحوم شیخ بهائی از منظر استاد

مویدی که برای مرحوم شیخ بهائی مطرح شد،(با قطع نظر از بحث سندی) گفته می­شود: نهایت چیزی که موید بر آن دلالت می­کند، این است که اگر ضد عبادی مستحب باشد و اتیان شود و مانع از اتیان واجب شود، قربتی برای مستحب نیست. مثلا حَجة الاسلام که واجب است ترک ­شود و به جای آن حج نیابتی از پدرش که مستحب است اتیان شود. در این موارد تقربی وجود ندارد. در این موارد که نافله به واجب ضرر می­رساند، بعید نیست که تقربی برای نافله نباشد؛ اما در جایی که ضد عبادی واجب باشد، شامل مورد روایت نمی­شود. شاید به خاطر وجوب ضد، بغض غیری مضر به واجب نباشد.

به نظر ما مضمون روایت نیازی به سند ندارد و مطابق با قاعده است. قربی آوردن مستحبی که موجب ترک واجب است، عقلائیت ندارد. هر چند که در صورت عدم اتیان به واجب، اتیان به مستحب بهتر از انجام عملی است که استحباب ندارد؛ اما به هر حال، اتیان سنت در صورت ترک واجب، تقربی ندارد.

خلاصه: ادعای مرحوم شیخ بهائی، اولا بطلان نماز در صورت ترک ازاله خلاف ارتکاز متشرعه است. ثانیا بنا بر عدم اقتضا، وجهی برای ادعای ایشان نیست. به خاطر قصد ملاک، نماز محکوم به صحت است.

### راههای کشف ملاک

#### شبهه عدم کشف ملاک

این که از چه راهی کشف ملاک از یک عمل بشود، محل کلام واقع شده است. شبهه ای که در این جا مطرح است، این است که ملاکات به دست مکلفین نیستند. مصالح و مفاسد امور خفیه و مناشئ فعل غیر است. در موالی عرفیه نیز خیلی اوقاف معلوم نیست که به چه حسابی امر کرده است، چه رسد به مولای حقیقی. نهایت چیزی که ممکن است این است که از امر شارع کشف می­شود که جزاف نیست و ملاکی دارد. (چه ملاک در متعلق و چه در نفس امر) اما اگر امر منتفی بشود، ما هیچ دسترسی به ملاک نداریم و بنا بر عدم اقتضا، ما کاشف از ملاک نداریم. مثل مرحوم خویی این مبنا را قبول دارند.

##### راه اول کشف ملاک: وجود مقتضی برای عبادت

بعضی برای کشف ملاک، طرقی را ذکر کرده­اند. طریق اول، طریقی است که مرحوم آخوند ادعا کرده است. ایشان فرموده است[[4]](#footnote-4): امر نداشتن نماز، به خاطر مزاحمت است. عدم امر به صلات در فرض تنجس مسجد و قدرت بر ازاله، به خاطر قصور مقتضی نیست؛ بلکه به خاطر وجود مانع است؛ پس وجهی ندارد که گفته شود: نماز ملاک ندارد.

به عبارت دیگر، بین نماز در فرض ترک ازاله با نماز در حالت عادی، فرقی وجود ندارد. نجس شدن مسجد یا نجس نشدن مسجد، ربطی به نماز ندارد؛ پس عدم امر به خاطر وجود مزاحمت است، نه این که به خاطر قصور مقتضی باشد. فرق است بین تخصیص حکم که از باب قصور مقتضی است و بین مزاحم داشتن. در موارد تخصیص، کشف ملاک ممکن نیست؛ زیرا امکان دارد تخصیص به خاطر فقد مقتضی باشد؛ اما در جایی که تخصیص در کار نیست و دو خطاب مطلق داریم که تزاحم بین آنها به وجود آمده است و کشف کردیم که ازاله اهم است، در این صورت امر نداشتن صلات به خاطر تزاحم است نه به خاطر وجود قصور مقتضی.

###### امور خفیه بودن ملاکات

مرحوم خویی فرموده است: ادعای مرحوم آخوند صحیح نیست. ملاکات امور خفیه هستند و به غیر از خطاب راهی برای کشف ملاک نداریم. شاید نماز در صورت ترک ازاله ملاک نداشته باشد. وقتی که ما طریق به وجود ملاک نداریم، احتمال دارد که ملاکی وجود نداشته باشد.

مختار استاد: ملاک داشتن ضد عبادی در حالت تزاحم

به نظر ما در موارد مزاحمت بعید نیست که ادعای مرحوم آخوند صحیح باشد. برهان قوی نیست ولی بعید نیست. اینکه در حال ترک ازاله، نماز ملاک نداشته باشد، بعید است.

به عبارت دیگر، این که قدرت مکلف دخیل در ملاک باشد، بعید است. ظاهر تکالیف مولا درجایی که قدرت در خطاب اخذ نشده است، این است که فی حد نفسه ملاک دارد. فرق است بین جایی که خطاب مقید به قدرت نشده است و جایی که خطاب را مقید به قدرت کرده است. در جایی که قدرت در خطاب اخذ نشده است، بعید است که قدرت در ملاک دخیل باشد.

نتیجه: کلام مرحوم آخوند صحیح است. ما اطمینان داریم که نماز در صورت ترک ازاله مثل سائر نماز ها مشتمل بر ملاک لازم هست و طریق مرحوم آخوند برای کشف ملاک، ادعای بعیدی نیست. چنین نمازی محبوبیت ذاتی دارد، هر چند که مبغوضیت غیری هم داشته باشد. از آن جهت که نماز محبوبیت ذاتی دارد رجحان دارد و از جهتی که ترک اهم شده است مبغوضیت غیری دارد.

ادامه بحث در جلسه آینده.

1. [فوائد الاصول، محقق نایینی، ج1، ص316.](http://lib.eshia.ir/13102/1/316/ولکن) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص286، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/286/الرضی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص134.](http://lib.eshia.ir/27004/1/134/یکفی) [↑](#footnote-ref-3)
4. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص134.](http://lib.eshia.ir/27004/1/134/الارتفاع) [↑](#footnote-ref-4)